مدیریت بازرگانی
Journal of Business Management
دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران
دورهٔ ۹، شمارهٔ ۱
بهار ۱۳۹۶
صص. ۱۵۴- ۱۲۹

ارائهٔ مدلی مفهومی برای تبیین آمادگی بانک‌های تجاری ایران به منظور پیاده‌سازی بانکداری اسلامی: به‌کارگیری استراتژی داده‌بنیاد

سیدرضا سید جوادین[۱]، محمد صفری[۲]، رضا راعی[۳]، محمد جواد ایروانی[۴]

چکیده: امروزه بخش بانکداری در جایگاه مهم ترین نهاد اقتصادی، پولی و مالی کشور قرار دارد. از طرف دیگر در نظام اقتصاد اسلامی، وظیفهٔ حیاتی یادشده برعهدهٔ سیستم بانکداری اسلامی است. فرایند استقرار بانکداری اسلامی در اقتصاد کشور، با گذشت بیش از سه دهه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا علی‌رغم نقص‌های موجود در آن، در اجرا نیز ناموفق بوده است. از این رو، پژوهش حاضر با رویکردی بنیادی و جامع به بررسی و ارائهٔ مدلی مفهومی برای تبیین آمادگی بانک‌های تجاری به‌منظور پیاده‌سازی بانکداری اسلامی در فضای اقتصاد ایران می‌پردازد و برای این منظور، از رویکرد آمیخته از نوع اکتشافی بهره می‌برد. به این ترتیب در بخش کیفی، از استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد مشتمل بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی و نیز الگوی مبنایی این نظریه به‌منظور دستیابی به مدل مستخرج از پژوهش استفاده شده است. همچنین در بخش کمی، روش توصیفی پیمایشی برای تحلیل و تبیین مدل پیشنهادی به کارگرفته شده است. نتایج پژوهش در قالب مدل تأییدشده و برازش‌یافته شامل شش مقوله یا بُعد اصلی و ۴۳ بُعد فرعی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: استراتژی داده‌بنیاد، آمادگی سازمانی، بانکداری اسلامی، بانک‌های تجاری، سیاست‌گذاری.

۱. استاد گروه مدیریت منابع انسانی، دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دکتری مدیریت سیاستگذاری بازرگانی، دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران
۳. استاد گروه مدیریت مالی، دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران
۴. دکتری مدیریت سیاستگذاری، دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۲۳
تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹٤/۰۱/۲۰
نویسندهٔ مسئول مقاله: محمد صفری
E-mail: m.safari@ut.ac.ir

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

امروزه بانکداری یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی به‌شمار می‌رود (ایروانی و غزالی، ۱۳۹۱) و از عوامل کلیدی تأثیرگذار در توسعهٔ اقتصادی کشور محسوب می‌شود (موسی‌خانی، حقیقی و ترک‌زاده، ۱۳۹۱)؛ به بیان دیگر صنعت بانکداری در جایگاه مهم‌ترین نهاد اقتصادی، پولی و مالی کشور قرار دارد (فرتوک‌زاده و الهی، ۱۳۸۹). بانک‌ها با عملیات اقتصادی و مالی خود، زمینهٔ انتقال منابع را از افرادی که به‌طور مستقیم، مایل یا قادر به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی نیستند، به کسانی که در راستای انجام امور اقتصادی به سرمایه نیاز دارند، فراهم آورده و بدین ترتیب، موجب رشد اقتصادی جامعه می‌شوند. سازوکار بانکداری، از یک طرف، با سازماندهی دریافت‌ها و پرداخت‌ها، امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل می‌کنند و موجب گسترش بازارها می‌شوند و از طرف دیگر، با تجهیز پس‌اندازهای ریز و درشت و هدایت آنها به‌سمت بنگاه‌های تولیدی، زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصاد را فراهم می‌آورند (موسویان و کاوند، ۱۳۸۹). در بانکداری اسلامی، گردش پول باید بر اساس موازین اسلامی باشد و روابط حقوقی بین بانک و مشتری به نحوی طراحی شود که با موازین اسلامی مغایرت نداشته باشد. در واقع، بانکداری اسلامی نوعی فعالیت بانکی مطابق با قوانین دین اسلام (فقه اسلام) محسوب می‌شود و کاربرد عملی آن در توسعهٔ اقتصاد اسلامی است. فقه اسلامی، اجازه نمی‌دهد که برای دریافت وام، بهره‌ای (به‌شرطی که از پیش تعیین شده باشد) پرداخت شود (در اصطلاح فقهی به آن ربا می‌گویند). همچنین از نظر دین اسلام، سرمایه‌گذاری در تجارتی که فراهم‌کنندهٔ سود یا خدمتی ناسازگار با قوانین اسلام باشد نیز ممنوع (حرام) است (اکبر و کالمادی، ۲۰۱۲). در اقتصاد اسلامی، وظیفهٔ حساس تجهیز منابع و گردش مالی صحیح برای رونق بخشیدن به بخش‌های اقتصادی و شکوفایی آن در جهت تسهیل امور زندگی افراد جامعه، بر عهدهٔ بانکداری اسلامی نهاده شده است. از این رو برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های والای اقتصاد اسلامی، پیاده‌سازی جامع و کامل سیستم بانکداری اسلامی، از اولویت‌های جامعهٔ اسلامی محسوب می‌شود. در ایران با وجود گذشت بیش از سه دهه از تدوین قانونی در زمینهٔ اصلاح سیستم بانکداری و حرکت در راستای عملیات بانکی بدون ربا و علی‌رغم نقص‌های موجود در قانون نام‌برده، در عمل و اجرا هنوز چالش‌های شایان توجهی دارد و ناموفق نشان می‌دهد. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد بررسی و ارائهٔ چارچوبی است تا ابعاد، مؤلفه‌ها و عوامل مهمی که در فضای اقتصادی و بانکی کشور بر پیاده‌سازی کامل سیستم بانکداری اسلامی در اقتصاد ایران تأثیرگذار و نقش‌آفرین هستند را شناسایی کند و در قالب یک مدل بنیادی و جامع ارائه دهد. صاحب‌نظران معتقدند که فرایند اجرای سیستم بانکداری اسلامی در ایران، ابعاد چندگانه و

Archive of SID

www.SID.ir

پیچیده‌ای دارد که لزوم شناسایی و توجه علمی و عملی به آنها برای استقرار کامل این سیستم، به وضوح احساس می‌شود. برای پیشبرد هدف اصلی پژوهش و دستیابی به مدل پیشنهادی، مهم‌ترین سؤالات پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱. عوامل، ابعاد و مؤلفه‌های اساسی تأثیرگذار بر پیاده‌سازی سیستم بانکداری اسلامی در بانک‌های تجاری ایران کدام‌اند؟ ۲. ارتباطات میان عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پیاده‌سازی سیستم بانکداری اسلامی در بانک‌های تجاری ایران چگونه است؟ ۳. مدل تبیین‌کنندهٔ پیاده‌سازی سیستم بانکداری اسلامی در بانک‌های تجاری ایران چگونه است؟ به‌منظور دستیابی به اهداف و سؤالات پژوهش، پس از مطالعهٔ تفصیلی مبانی نظری و ادبیات پژوهش، با به‌کارگیری رویکرد آمیخته، در گام نخست با روش کیفی (استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد) و در گام دوم با روش کمی (توصیفی پیمایشی)، یافته‌های به‌دست‌آمده در قالب مدلی جامع برای استقرار سیستم بانکداری اسلامی پیشنهاد شده است.

پیشینهٔ نظری پژوهش

بانک‌ها در جایگاه مهم‌ترین نهاد مالی بازار پول و نیز، بزرگ‌ترین واسطهٔ مالی در اقتصاد (میشکین، ۲۰۰۴: ۸) با فعالیت در محیط رقابتی، پرتلاطم (رنجبریان و براری، ۱۳۸۸)، پیچیده و پویا (صالحی نیکوکار، محمدی و نتاج، ۲۰۱۱)، سپرده‌های سپرده‌گذاران را گرفته و به آنها بهره می‌پردازند و در برابر به متقاضیان وام پرداخت کرده و از آنان بهره می‌گیرند (فراست، ۲۰۰۴: ۱۴). در اقتصاد اسلامی این نقش با حفظ اصول و موازین شرعی بر عهدهٔ بانک‌های اسلامی است (موسویان، ۱۳۸۱: ۳). بانکداری اسلامی به‌عنوان نوآوری مهم نیمهٔ دوم قرن بیستم در کشورهای مسلمان، بانکداری متعارف را نفی و الگوی جدید را پیشنهاد می‌دهد (طالبی، کاوند و حسین‌پور، ۱۳۹۰). ویژگی‌های این الگو آن است که ربوی نبوده و براساس روش‌های تأمین مالی اسلامی است (مولینکس و مورینده، ۲۰۰۳: ۱۹۱). نظام بانکی ربوی تلاش می‌کند صنعت بانکداری را از درگیر شدن با اقتصاد حقیقی دور کند؛ درحالی که با حذف سیستم بهره و بانکداری مبتنی بر آن، ماهیت بانکداری متحول می‌شود و سود و زیان بانک‌ها و به‌دنبال آن سود و زیان سپرده‌گذاران، بستگی به عملکرد و موفقیت بنگاه‌ها دارد. پس در ساختار غیرربوی علاوه بر آن که بانک‌ها و مردم نسبت به یکدیگر مسئول و متعهدند، بانک‌ها در چرخهٔ اقتصادی نیز فعالیت دارند تا بتوانند پاسخگوی سپرده‌گذاران باشند (ایروانی و غزالی، ۱۳۹۱؛ موسویان، ۱۳۸۱: ۲۱۶).

از دیدگاه اسلام، بانکداری اسلامی برای کمک به استقرار عدالت در تعاملات مالی بین افراد جامعه و کلیهٔ مشارکت‌کنندگان در اقتصاد برقرار شده است. عدالت، معیار کلی است که اسلامی‌بودنِ بیشتر فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان با آن ارزیابی کرد. فرض ربوی، استثمار

Archive of SID

www.SID.ir

انسان و تضییع حقوق افراد فقیر از سوی ثروتمندان است. هنگامی که خدای متعال ربا را در معاملات حرام کرد، بیع (معامله، کسب‌وکار، تجارت و...) را جایگزین آن قرار داد. در آیهٔ ۲۷۵ سورهٔ مبارکهٔ بقره آمده است: «... واحلَ الله البَیع و حَرَّمَ الرّبوا».

بانکداری اسلامی عبارت است از اجرای عملیات بانکی مشتمل بر جمع‌آوری و تمرکز منابع پس‌اندازی جامعه، برای انجام سرمایه‌گذاری در امور مختلف، به‌قصد انتفاع توسط بانک و سیستم بانکی در چارچوب موازین و قوانین اسلامی و نظامات پولی و اعتباری، به نحوی که منابع ناشی از این سرمایه‌گذاری ـ بر اساس تفاهم اولیه ـ میان سه عنصر پس‌اندازکننده، بانک و سرمایه‌گذار تسهیم شود (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۱). به بیان دیگر، بانکداری اسلامی همان اهداف بانکداری متداول دنیا را دنبال می‌کند، با این تفاوت که ادعا می‌شود عملیات بانکداری در این بانک‌ها بر اساس فقه معاملات اسلامی انجام می‌شود (طالبی و کیائی، ۱۳۹۱).

نظریهٔ بانکداری اسلامی بر این مفهوم و اصل مهم استوار است که بهره و ربا به‌شدت در اسلام نفی شده است، از طرفی آموزه‌های اسلامی هدایت‌ها و رهنمودهای لازم را برای فعالیت‌های بانکی و مالی فراهم کرده است. اصل اساسی که کلیهٔ فعالیت‌ها و امور مالی و بانکداری اسلامی بر پایهٔ آن قرار دارد این است که اگرچه بهره در اسلام ممنوع و حرام است، تجارت و کسب سود تشویق می‌شود (گودرزی و داستان، ۲۰۱۳). بانکداری اسلامی یک نظام مالی است که هدف کلیدی آن جامهٔ عمل پوشاندن به آموزه‌های ارزشمند قرآن کریم در زمینه‌های مالی و بانکی است. سود در اسلام پاداش نام دارد و هدف بانکداری اسلامی با مدیریت دارایی، افزایش درآمد عمومی است. تقسیم ریسک و مدیریت آن برای دستیابی به حاکمیت مشارکت و همکاری در انجام پروژه‌ها، یکی از اهداف بانکداری اسلامی است. معاملات مالی مجاز از سوی شریعت اسلامی باید بر ارائهٔ کالا، خدمات و منافع مبتنی باشد. این سیاست برای برخورد و تعامل بهتر سیاست‌های پولی و مالی و ایجاد نظم بیشتر در کانون توجه قرار دارد (راثی، ۱۳۹۰: ۱۰). نظام بانکداری بدون ربا از ایدئولوژی و ارزش‌های اقتصاد اسلامی ریشه می‌گیرد و تحقق آن به استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز توزیع عادلانهٔ درآمد و ثروت در جامعه منجر می‌شود (کربهری، ناصر و شاهین، ۲۰۰۴؛ اقبال و مولینکس، ۲۰۰۶: هشام، محمد و عبدالهادی، ۲۰۱۲). بنابراین، منظور از بانکداری اسلامی نوعی سیستم بانکداری است که بر قوانین اسلامی و نظریهٔ اقتصاددانان و کارشناسان علوم بانکی و علمای اسلامی مبتنی است. همچنین مؤلفه‌های اصلی بانکداری اسلامی، علاوه بر حذف ربا از تمام عملیات بانکی، در راستای انطباق عملیات بانکی با موازین شرعی، تسهیم سود، مشخص بودن مسیر مصرف منابع، رعایت استانداردهای اخلاقی و رونق کسب‌وکارها، توجه به بخش واقعی اقتصاد و نظارت بر

Archive of SID

www.SID.ir

عملیات بانکی است که ضمن معطوف‌بودن به اهداف و اصول اقتصاد اسلامی در جامعه، در راستای دستیابی به آن تلاش می‌کند.

وضعیت بانکداری اسلامی در جهان

امروزه، بانک‌های اسلامی در همه جای جهان وجود دارد و بر نظام مالی پایدار همراه با گزینه‌های متعددی برای ارائهٔ خدمات متکی است. ابتدا این سیستم برای پاسخ به نیازهای مسلمانان ایجاد شد، اما اکنون بانکداری اسلامی در سطح جهانی با مقبولیت همراه شده است. بانکداری اسلامی به‌عنوان یکی از حوزه‌هایی که سریع‌ترین رشد را در بخش بانکی و مالی داشته، شناخته شده است (گودرزی و داستان، ۲۰۱۳). از سال ۱۹۶۳ که نخستین بانک اسلامی در مصر افتتاح شد، بانکداری اسلامی شروع به رشد سریع در سطح جهانی کرد. هم‌اکنون شمار مؤسسه‌ها و نهادهای مالی اسلامی در سطح جهان به بالاتر از ۳۰۰ مورد در بیش از ۷۵ کشور جهان که عموماً در خاورمیانه و جنوب غرب آسیا متمرکز شده‌اند (بحرین و مالزی از اصلی‌ترین مراکز به‌شمار می‌روند) افزایش یافته است. بانک‌های اسلامی به‌طور شایان توجهی در اروپا و آمریکا نیز گسترش یافته‌اند. مجموع دارایی‌های نظام بانکداری اسلامی در سطح جهان بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار همراه با میانگین رشد ۱۵ درصد در سال برآورد شده است (صوفیان، محمد و ذولخیبری، ۲۰۰۸). ارزش بازار بانکداری و مالیهٔ اسلامی در جهان در سال ۲۰۰۶ بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است (ساینی، بیک و عبدالله، ۲۰۱۱). نکتهٔ شایان توجه این است که با بررسی سازوکارهای بانکداری در جهان مشخص می‌شود که اغلب فعالیت‌های بانکداری به روش گفته شده، در قالب بانک‌های اسلامی است، نه سیستم بانکداری اسلامی و در کشورهای مختلف حتی در برخی از کشورهای اروپایی نیز سهم شایان توجه و رو به رشدی از بازار خدمات مالی و بانکی را در سال‌های اخیر کسب کرده است.

تحولات و مشکلات بانکداری بدون ربا در ایران

آنچه در تحلیل بانکداری اسلامی اهمیت دارد، این است که مسیر تحول و تطور دستیابی به چارچوب و سازوکار بانکداری اسلامی در طول زمان شناخته شده و مراحل آن درک شود. گام نهایی این مسیر، دستیابی به الگوی جامع سیستم بانکداری اسلامی است. چارچوب و الگوی جامع بانکداری اسلامی نه تنها به‌دنبال حذف ربا از معاملات مالی و بانکی است، بلکه درصدد است سایر آموزه‌های اسلامی در زمینهٔ بانکداری و اقتصاد را به‌صورتی مؤثر و کارآمد پیاده‌سازی کند. شکل ۱ به‌طور مشخص مسیر دستیابی به بانکداری اسلامی در اقتصاد را به نمایش گذاشته است.

Archive of SID

www.SID.ir

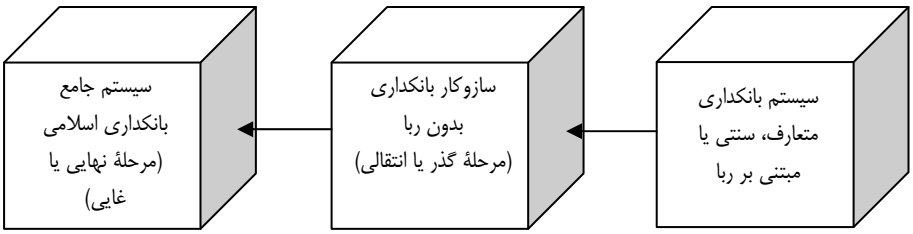

شکل ۱. مراحل تحولی برای دستیابی به الگوی سیستم بانکداری اسلامی

برخی از پژوهش‌ها به بررسی اصلی‌ترین چالش‌ها و مشکلات مدل بانکداری بدون ربا در ایران پرداخته‌اند (اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶؛ سیدجوادین، راعی، ایروانی و صفری، ۲۰۱۴):

- صوری بودن بخشی از عملیات بانکی به‌علت تبدیل شدن تمام عملیات بانکی به عقدهای معاملاتی؛
- نبود تنوع لازم برای متقاضیان مختلف تسهیلات و کسب‌وکارها؛
- فقدان نظام حسابداری کارآمد و استاندارد؛
- ضعف در پرداخت سود واقعی به سپرده‌گذاران؛
- تمایل کم به پذیرش ریسک برای مشارکت در پروژه‌های سرمایه‌گذاری؛
- گرایش کم بانک‌ها به مشارکت واقعی در پروژه‌ها و تمایل زیاد به عقدهای معاملاتی مثل فروش اقساطی به جای عقدهای مشارکتی؛
- نبود راهکارهای مناسب و بهینه برای مدیریت معوقات؛
- نبود روش مناسب برای تمدید زمان بازپرداخت تسهیلات بانکی؛
- ضعف نظام نظارتی و بازرسی کارآمد؛
- ضعف توانایی و عدم وجود کارشناسان متخصص در بانک‌ها برای تعیین طرح‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی بالا؛
- بی‌اعتقادی جامعه به اسلامی بودن عملیات بانکی؛
- نبود تنوع کافی برای سلیقه‌ها و ترجیحات متفاوت سرمایه‌گذاران و مشارکت‌کنندگان.

اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)، موسویان (۱۳۸۴)، سارکر (۲۰۰۴) و کربهری و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش‌هایی چالش‌های بانکداری بدون ربا را دسته‌بندی و تشریح کرده‌اند. جدول زیر با توجه به یافته‌های مطالعات مختلف در این زمینه تکمیل شده است.

Archive of SID

www.SID.ir

جدول ۱. دسته‌بندی چالش‌های اجرایی بانکداری بدون ربا

چالش‌های اجرایی در سطح کلان	پژوهشگران	چالش‌های اجرایی در سطح خرد	پژوهشگران
نقدینگی و سرمایه	اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶) سارکر (۲۰۰۴)	هزینهٔ بالای اطلاعات	اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)
ارزشیابی دارایی‌های بانک	کربهری، ناصر و شاهین (۲۰۰۴) اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)	کنترل هزینهٔ وجوه	اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)
خلق اعتبار و سیاست پولی	سارکر (۲۰۰۴) اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)	تأمین مالی بر حسب اضافه قیمت	اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)
ثبات مالی	سارکر (۲۰۰۴)	تأکید بیش از حد بر روش مرابحه (قراردادهای معاملاتی)	اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶) موسویان، ۲۰۰۷
مالکیت بانک‌ها	سارکر (۲۰۰۴) موسویان (۱۳۸۴) اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)	به‌کار بردن نرخ بهره به‌صورت حاشیهٔ سود در قراردادهای مرابحه	سارکر (۲۰۰۴) اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)
فقدان بازار سرمایه و ابزارهای مالی	موسویان (۱۳۸۳) اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)	عدم واکنش مثبت برای تأمین احتیاجات مالی دولت	اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)

برگرفته از: اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)

پیشینهٔ مطالعات

در این بخش سعی شده است تا با توجه به تحقیقات و مطالعات جدید صورت‌گرفته، برخی از مهم‌ترین موارد آنها که شامل مطالعات داخلی و بین‌المللی است، در قالب جدول زیر همراه با توضیحات مختصر معرفی و ارائه شود.

جدول ۲. خلاصهٔ بررسی پیشینهٔ مطالعات در بانکداری اسلامی

پژوهشگر(ان)	نتایج و یافته‌ها
کربهری و همکاران (۲۰۰۴)	مشکلات و چالش‌های نظام بانکداری اسلامی در غرب را با مطالعهٔ موردی انگلستان، بررسی کردند که حاصل مصاحبه با مدیران ارشد سازمان‌های کلیدی است که در انگلستان خدمات بانکداری اسلامی ارائه می‌دهند. نتیجهٔ شایان توجه، مشکلات بانک‌های اسلامی مانند تعیین مالیات بر سود سپرده‌گذاران، مدیریت ریسک و نقدینگی، کمبود نیروی متخصص و آموزش آنها است.
سارکر (۲۰۰۴)	بحث‌های اجرا و دیدگاه‌های بانکداری اسلامی را در بنگلادش بیان کرده است. با مطالعهٔ موردی بانکداری اسلامی در بنگلادش ادعا شده است که بانک های اسلامی در بنگلادش با گونهٔ متفاوتی از ریسک نسبت به بانک‌های تجاری سنتی روبه‌رو هستند.

Archive of SID

www.SID.ir

ادامهٔ جدول ۲

پژوهشگر(ان)	نتایج و یافته‌ها
یونس، عزالدین و پاپاس (۲۰۰۹)	کارایی بانک‌های اسلامی در برابر بانک‌های غربی در کشورهای عربی منطقهٔ خلیج فارس با استفاده از داده‌های ۶ بانک در دورهٔ زمانی چهارساله اندازه‌گیری شده است. بر اساس نتایج، بانک‌های اسلامی از دید هزینه، کارایی کمتری داشته‌اند، اما کارایی آنها از دید درآمد و سود، بیشتر از بانک‌های غربی بوده است. بازدهٔ متوسط دارایی‌ها در بانک‌های اسلامی بیش از بانک‌های غربی است.
ماهر و دریدی (۲۰۱۰)	عملکرد بانک های اسلامی و متعارف در خلال بحران جهانی به وسیلهٔ بررسی تأثیر بحران بر سودآوری، رشد دارایی و اعتبارات در یک گروه از کشورهایی که دو نوع نظام بانکی سهم عمده ای از بازار داشتند، ارزیابی شده است. بررسی نشان داد رشد اعتبار و دارایی بانک‌های اسلامی بهتر از بانک‌های متعارف در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ بوده است.
موسویان (۱۳۸۶)	با استفاده از تجربه‌های نظام بانکی ایران و سایر بانک‌های بدون ربا در کشورهای مختلف، قانون عملیات بانکی بدون ربا نقد و بررسی شده و برای اصلاح و تکمیل آن، اشکالات و انتقادات اساسی مرتبط در قالب موارد ده‌گانه مطرح شده است.
طالبی و همکاران (۱۳۹۰)	به‌منظور بررسی و شناسایی ریسک‌های عملیاتی در ارتباط با بانکداری بدون ربا، ریسک‌های عملیاتی در این زمینه به دو دستهٔ کلی شامل ریسک‌های مشترک با بانکداری متعارف و ریسک‌های خاص بانکداری اسلامی دسته‌بندی شده است.
رستمی (۱۳۹۰)	با روش تحلیلی توصیفی، مدارک نقلی و عقلی تحریم ربا بررسی شده است و افزون بر تبیین مفاهیم ربا، بهره و بهرهٔ تعادلی، به این نتیجه دست یافته که روش برخورد قران کریم در حذف ربا از فعالیت‌های اقتصادی، قابل تعمیم به سایر مفاسد اقتصادی است و حکم، اثر و سرنوشت آنان را نیز روشن می‌کند.
سیاهکارزاده و محمدی (۱۳۹۱)	پس از بررسی ابعاد و ویژگی های نظام سنجش اعتبار و مختصات ویژهٔ بانکداری اسلامی و مقایسهٔ نقش بانک‌های اسلامی و بانکداری متعارف، بستری مناسب را برای تحلیل و بررسی رویکرد پیش‌گیرانهٔ اعتبارسنجی فراهم آورده است.
ایروانی و غزالی (۱۳۹۱)	معیارهایی برای اولویت‌بندی تسهیلات بانکی مبتنی بر عقود اسلامی استخراج و پیشنهاد شده است. معیارهایی شناسایی‌شده بر اساس دیدگاه‌های سیاست‌گذاران نظام بانکی برای سهولت و اولویت استفاده از تسهیلات در بانکداری بدون ربا ارائه شده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر با اتکا به داده‌های کیفی گردآوری شده درصدد آن است که مدل نوین و بومی‌ای به‌منظور تبیین آمادگی بانک‌های تجاری ایران برای پیاده‌سازی بانکداری اسلامی ارائه دهد و در نتیجه به‌دنبال پوشش خلأ نظری موجود برای آن است، به لحاظ هدف از نوع بنیادی محسوب می‌شود. همچنین از جهت نحوهٔ گردآوری داده‌ها و اطلاعات، در زمرهٔ پژوهش‌های غیرآزمایشی یا توصیفی است که در آن از رویکرد آمیخته متشکل از دو بخش کمی و کیفی استفاده شده است. از آنجا که در طراحی و اجرای طرح‌های تحقیق با روش‌های آمیخته از هر دو روش تحقیق کمی و کیفی استفاده می‌شود، ویژگی‌های اصلی روش تحقیق آمیخته

Archive of SID

www.SID.ir

متأثر از چگونگی استفاده از دو روش کمی و کیفی است. برای رویکرد آمیخته سه طرح تشریحی، اکتشافی و بهم تنیده معرفی شده است (بازرگان، ۱۳۸۷). در گام نخست، هدف این پژوهش توصیف و اکتشاف پدیدهٔ مورد بررسی است. به‌کارگیری ابزارهای پژوهش کیفی (مصاحبه‌های باز و عمیق، مطالعهٔ آرشیوی و بررسی مبانی نظری، مشاهده، و...) به شناخت بهتر و کامل‌تر از مسئلهٔ پژوهش و دستیابی به مدل مفهومی پژوهش، به‌ویژه با توجه به دیدگاه‌های خبرگان، کمک شایانی می‌کند. پس از توصیف کافی پدیده با تسری به جامعهٔ آماری، سعی در کسب دیدگاه کل جامعه به مقولهٔ مورد بررسی خواهد بود. از این رو، رویکرد پژوهش آمیخته در این پژوهش از نوع دوم یعنی طرح تحقیق آمیختهٔ اکتشافی است.

روش پژوهش کیفی: استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد

در مرحلهٔ کیفی پژوهش حاضر، برای دستیابی به مدل مفهومی، از روش نظریهٔ داده‌بنیاد استفاده می‌شود. نظریهٔ داده‌بنیاد نوعی استراتژی پژوهشی به‌شمار می‌رود که در پی تدوین تئوری است و از داده‌های مفهومی که به‌صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند، ریشه می‌گیرد. این استراتژی با استفاده از رویکرد استقرایی، سعی در مفهوم‌سازی داده‌ها (گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها) به‌گونه‌ای دارد که مدل به‌طور مستقیم از داده‌ها ظاهر شود. این برخلاف رویکرد قیاسی غالب در پژوهش‌هاست که با بررسی ادبیات موضوع چارچوب مفهومی تدوین شده، سپس داده‌ها با استفاده از ابزارهای مستخرج از مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش جمع‌آوری می‌شود تا پس از تحلیل آن، چارچوب مفهومی آزمایش شود (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). هدف نهایی استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد، ارائهٔ تبیین‌های جامع نظری در مورد پدیده‌ای خاص است. به‌طور کلی، این استراتژی، داده‌های به‌دست‌آمده از منابع اطلاعاتی را به مجموعه‌ای از کدها، کدهای مشترک را به مقوله‌ها و گاهی مقوله‌ها را به نظریه تبدیل می‌کند. بر این اساس، استراوس و کوربین نظریهٔ برخاسته از چنین فرایندی را محصول رویکرد استقرایی می‌دانند که از مطالعهٔ یک پدیده حاصل شده است (کرسول و میلر، ۲۰۰۰؛ استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). اجرای عملی استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد با فرایند کدگذاری آغاز می‌شود. استراوس و کوربین، سه فن کدگذاری را پیشنهاد داده‌اند که عبارت‌اند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (فرناندز، ۲۰۰۳؛ استراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

ابزار اساسی گردآوری داده‌ها در این مرحله از پژوهش، مصاحبه است. ساختار مصاحبه‌ها در دو بخش ساختارنیافته و نیمه‌ساختاریافته برنامه‌ریزی و اجرا شده است. از آنجا که پژوهش کیفی ماهیت اکتشافی دارد و مستلزم مشارکت تعداد معدودی پاسخ‌دهنده است (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۸۷)، استراتژی نمونه‌گیری در رویکرد کیفی از نوع غیرتصادفی و به‌صورت گلولهٔ برفی

Archive of SID

www.SID.ir

(زنجیره‌ای) است. ملاک اندازهٔ نمونه، کفایت تئوریک است؛ به این معنا که در مصاحبه با جامعهٔ آماری نخبگان، شاخص یا سازهٔ جدیدی شناسایی نشود. بنابراین ملاک کفایت نمونه، اشباع نظری است. به این ترتیب، نمونهٔ پژوهش کیفی با ملاک کفایت تئوریک از میان مدیران، صاحب‌نظران و استادان دانشگاهی دخیل در صنعت بانکداری که به‌طور خاص در حوزهٔ بانکداری و اقتصاد اسلامی فعالیت‌های شایان توجه علمی یا عملی داشته‌اند، برگزیده شده است. بر این اساس، در مرحلهٔ کیفی ۲۲ نفر از خبرگان در پژوهش مشارکت کرده و نمونهٔ مورد بررسی این بخش را شکل داده‌اند. بدیهی است در این حالت با رویکرد غیرتصادفی، نمونه‌های مد نظر انتخاب و اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است. همچنین برای تحلیل داده‌ها از سازوکار مبتنی بر استراتژی نظری داده‌بنیاد بهره برده شده است.

در این پژوهش از پایایی بازآزمون (شاخص ثبات) و روش توافق درون موضوعی (شاخص تکرارپذیری) برای بررسی و محاسبهٔ پایایی مصاحبه‌های بخش کیفی، استفاده شده است. نتایج بررسی مصاحبه‌های کدگذاری‌شده در این پژوهش با شاخص پایایی بازآزمون ۸۴ درصد و با شاخص توافق درون موضوعی ۷۷ درصد محاسبه شده است. با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است (روشندل اربطانی، مقیمی، میناوند و خواجیان ، ۱۳۹۱؛ کوال، ۱۹۹۶: ۱۹۰-۱۸۹)، پایایی یا قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید می‌شود. همچنین، روایی در پژوهش کیفی با توجه به رویکرد طبیعت‌گرایانه و کثرت‌گرایی در آن، به فرایند و گام‌های اساسی پژوهش و توانایی‌های پژوهشگر در اجرای آنها بستگی دارد. روایی یا اعتبار در مرحلهٔ کیفی به‌ویژه مصاحبه‌های کیفی ناظر بر دو موضوع واقعیت و دانش است (کوال، ۱۹۹۶: ۱۴۵). برای این منظور در مراحل هفت‌گانهٔ پیشنهادی پژوهش کیفی شامل: تعیین موضوع، طراحی، موقعیت و شرایط مصاحبه، یادداشت‌برداری مصاحبه‌ها، تجزیه و تحلیل، تأیید و گزارش‌دهی اعتبار یا روایی به‌صورت گام‌به‌گام بررسی و تأیید شد (گل‌افشانی، ۲۰۰۳).

مرحلهٔ کمی پژوهش

در مرحلهٔ کمی پژوهش، با استفاده از داده‌های میدانی گردآوری‌شده و با به‌کارگیری ابزارهای کمی تحلیل آماری، مدل مفهومی به‌دست‌آمده از استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد در مرحلهٔ نخست، بررسی و ارزیابی شده است. روش پژوهش در این بخش از نوع توصیفی ـ پیمایشی است. همچنین استراتژی نمونه‌گیری در رویکرد کمی، به‌صورت تصادفی است. در بخش کمی پژوهش، جامعهٔ آماری مشتمل بر کارشناسان و مدیران حوزهٔ اجرایی در صنعت بانکداری ایران است. با توجه به اینکه طبق شرایط تحقیق، جامعهٔ آماری مد نظر از نوع نامحدود محسوب می‌شود، برای دستیابی به اندازهٔ نمونه از رابطهٔ کوکران در جامعهٔ آماری نامحدود استفاده شده

Archive of SID

www.SID.ir

است که بر اساس پارامترهای آن، حجم نمونه ۱۵۰ نفر به‌دست آمد. برای این منظور بیش از ۱۷۰ پرسشنامه توزیع شد که از این مجموعه ۱۵۵ نسخه مناسب بود و مبنای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش قرار گرفت. داده‌های بخش کمی در نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS تجزیه و تحلیل شدند. برای بررسی پایایی پژوهش در بخش کمی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بر اساس گردآوری داده‌ها میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۸۶ به‌دست آمد. نتایج مطالعات تجربی صاحب‌نظران آمار نشان داده است چنانچه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای ابزار اندازه‌گیری، بیشتر از ۰/۶۶۷ (با تقریب $\alpha>0/7$) باشد، دارای پایایی یا قابلیت اعتماد قابل قبولی است (نونالی، ۱۹۷۸: ۲۴۴). بر این اساس با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، ابزار اندازه‌گیری پژوهش در حد بالایی قابلیت اعتماد یا پایایی را احراز کرده است.

برای بررسی روایی در این بخش پژوهش، از دو روش نظرسنجی خبرگان و تحلیل عاملی تأییدی بهره برده شد. با توجه به نهایی شدن مرحلهٔ کیفی و ارائهٔ مدل استخراج‌شده در این بخش، پرسشنامهٔ مرتبط تدوین شد؛ سپس با استفاده از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران حوزهٔ مورد مطالعه، اعتبار پرسشنامهٔ نهایی مشخص گردید و مبنای گردآوری داده‌های میدانی قرار گرفت. همچنین روایی یا اعتبار ساختاری مدل مفهومی پژوهش با استفاده از رویکرد آماری تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. نتایج اجرای این آزمون در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون KMO[1] و Bartlett

پارامترهای آزمون		مقادیر آزمون
KMO برای کفایت نمونه‌گیری		۰/۸۸۷
خروجی‌های آزمون بارتلت	مقدار χ^2	۲۳۸۱/۷۸۰
	df	۱۳۶
	Sig.	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، نتیجهٔ آزمون مقدار شاخص KMO را حدود ۰/۸۸ نشان می‌دهد. شاخص KMO شاخصی از کفایت نمونه‌گیری است که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند و از این طریق مشخص می‌کند که آیا واریانس متغیرهای تحقیق، تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی است یا خیر؛ و در نهایت معین می‌کند که آیا می‌توان از داده‌های موجود برای تحلیل استفاده کرد؟ مقدار شاخص محاسبه‌شده برای این تحقیق برابر با ۰/۸۸ است و از حداقل قابل قبول (KMO>۰/۶)

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure

Archive of SID

www.SID.ir

بیشتر است. در واقع، هر چه مقدار شاخص نزدیک ۱ باشد، داده‌های مد نظر برای تحلیل مناسب است. به‌علاوه، کل واریانس تجمعی تبیین‌شده (TCVE)[1] برای عوامل و ابعاد مدل پژوهش ۰/۸۴ است که توان بالای مدل برای تبیین تغییرات یافته‌های پژوهش را نشان می‌دهد. در بخش دوم جدول، نتایج آزمون بارتلت آورده شده است. این آزمون بررسی می‌کند که چه هنگام ماتریس همبستگی شناخته شده (از نظر ریاضی ماتریس واحد یا همانی)، برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) نامناسب است. برای این بخش می‌توان به میزان معناداری آزمون یا Sig مراجعه کرد. چنانچه مقدار Sig آزمون بارتلت کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار یا مدل عاملی مناسب است؛ زیرا فرض شناخته‌شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود. همان‌طورکه مشاهده می‌شود، میزان Sig در این آزمون صفر است (Sig=۰/۰۰۰)، بنابراین تأیید می‌شود. همچنین کلیهٔ بارهای عاملی مربوط به متغیرها و ابعاد پژوهش، بیش از میزان تئوریک (نظری) قابل قبول (FL >۰/۳ یا FL >۰/۴) بودند.

یافته‌های پژوهش

با به‌کارگیری استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد که به‌طور مشخص در این پژوهش بر الگوی پیشنهادی استراوس و کوربین متکی بود، داده‌های به‌دست‌آمده تجزیه و تحلیل شدند. برای این منظور گام‌های اساسی زیر طی شده است:

- مطالعهٔ سطر به سطر متون مصاحبه و استخراج جملات مهم و شایان توجه و قابل اتکا به‌عنوان عبارت‌های اصلی هر مصاحبه؛
- تعیین نکات کلیدی، پس از مشخص شدن عبارت‌های اصلی فرایند کدگذاری باز؛
- استخراج مفاهیم مهم و کلیدی با اتکا به سازوکار کدگذاری باز؛
- مشخص کردن و استخراج مقوله‌های اولیه بر اساس همراستایی مفاهیم کلیدی؛
- مقایسهٔ مقوله‌ها و متمایز کردن مقولهٔ اصلی از سایر مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی؛
- مشخص کردن روابط بین مقوله‌ها مبتنی بر الگوی داده‌بنیاد استراوس و کوربین به منظور دستیابی به ابعاد اصلی و در نهایت مدل مستخرج پژوهش؛
- اتمام مرحلهٔ کیفی پس از استخراج مدل پژوهش و نهایی شدن آن و انجام اقدامات لازم برای مراحل کمی پژوهش و آزمون مدل.

در مجموع بیش از ۶۰۰ نکتهٔ قابل اعتنا یا اساسی از مصاحبه‌های کیفی به‌دست آمد. با اتکا به استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد، بلافاصله پس از هر مصاحبه فرایند کدگذاری باز شروع شد. با این

1. Total Cumulative Variance Explained

Archive of SID

www.SID.ir

روش در هر مرحله به کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، مفاهیم و برچسب‌های مناسب داده شد. با اجرای این فرایند، مبنایی به‌وجود آمد تا مفاهیم اساسی و مقوله‌های کلیدی پژوهش مشخص شود. این مقوله‌ها باید به اندازهٔ کافی انتزاعی باشند تا بتوان مفاهیم و کدهای متناسب زیرمجموعهٔ آنها را برای قابلیت بررسی و شمول تئوریک گسترده‌تر، به خوبی تجمیع کرد. همچنین بر مبنای استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد، بعد از این مرحله فرایند کدگذاری محوری و انتخابی برای دستیابی به ابعاد و مقوله‌های کلیدی و اساسی پژوهش و استخراج مدل مفهومی پژوهش انجام شد. از ترکیب نکات کلیدی و کدهای استخراج‌شده، در مجموع ۴۳ مفهوم اساسی یا کلیدی به‌دست آمد و از این طریق و بر مبنای آنها، شش مقولهٔ اصلی مدل پژوهش استخراج شد. شکل ۲ مدل پارادایمی پیاده‌سازی سیستم بانکداری اسلامی در بانک‌های تجاری ایران را بر اساس استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد نمایش می‌دهد.

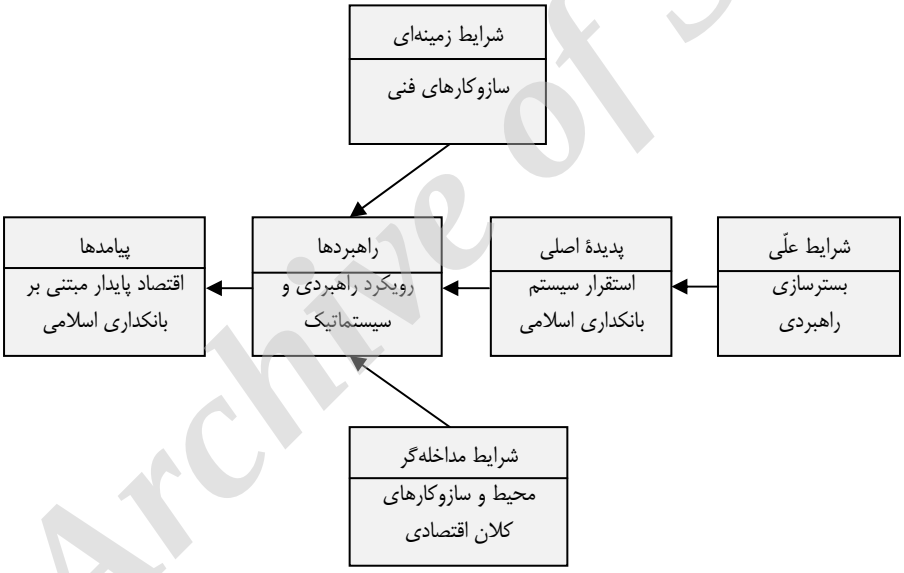

شکل ۲. مدل پارادایمی پژوهش بر اساس استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد و با اتکا به نتایج تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه و بررسی ارتباطات معنایی و مفهومی میان کدها، مفاهیم و مقوله‌ها، کلیهٔ ابعاد به‌طور کامل تعریف شده و مورد تبیین قرار گرفتند. شکل ۳، یافته‌های مطالعهٔ حاضر را در قالب مدل پیشنهادی مستخرج از پژوهش نشان می‌دهد.

Archive of SID

www.SID.ir

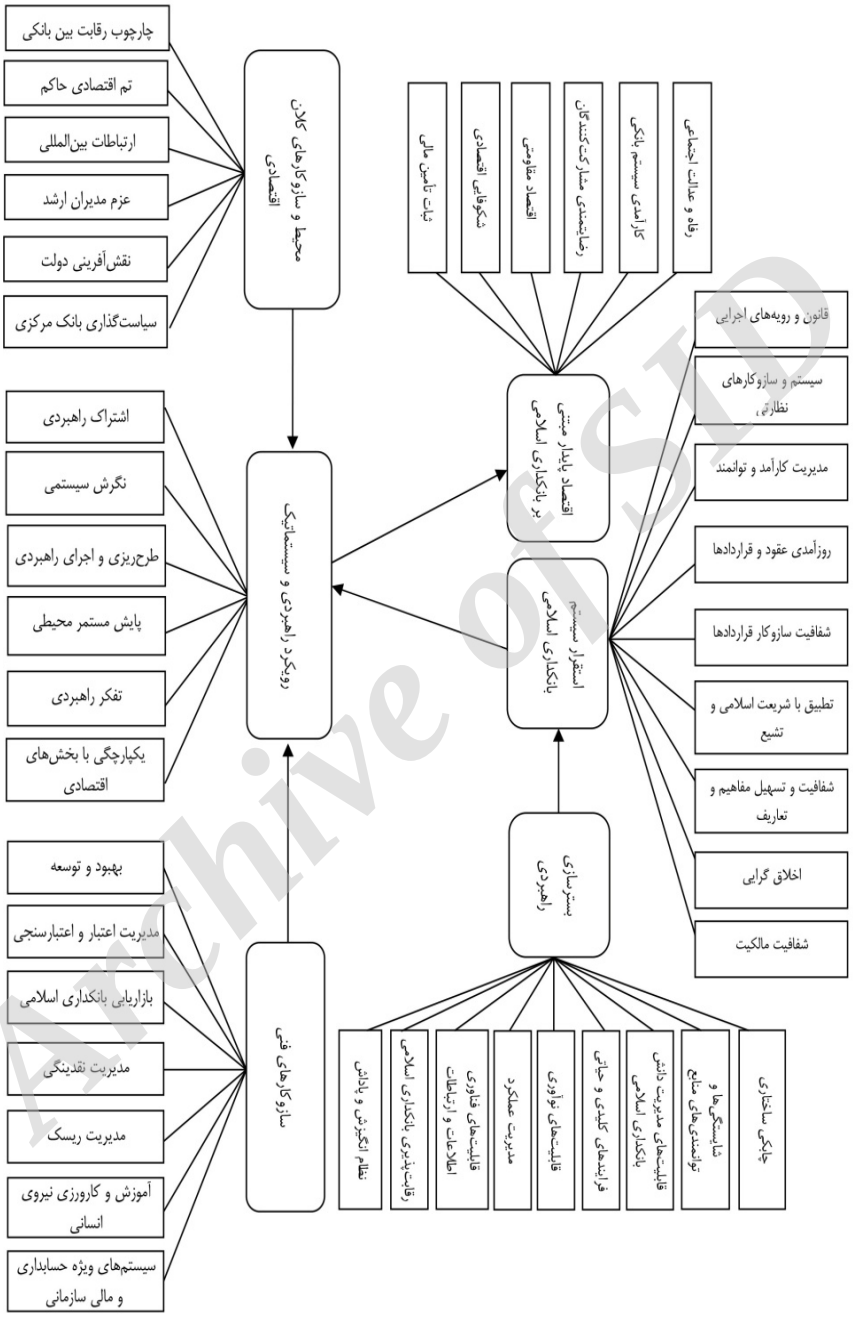

شکل ۳. مدل پیشنهادی مستخرج از پژوهش

Archive of SID

www.SID.ir

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از به‌کارگیری استراتژی نظریهٔ داده‌بنیاد، به‌منظور بررسی ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی آمادگی بانک‌های تجاری برای پیاده‌سازی بانکداری اسلامی، در مجموع شش بُعد اصلی همراه با مؤلفه‌های متناسب هر یک از آنها شناسایی شد. بُعد نخست که «استقرار سیستم بانکداری اسلامی» نام دارد، بر اساس الگوی نظریهٔ داده‌بنیاد، پدیده یا مقولهٔ محوری در نظر گرفته می‌شود. برای تبیین ابعاد مختلف این مقولهٔ اصلی، بر طبق نتایج پژوهش، مؤلفه‌های مختلفی شناسایی و معرفی شده است. استقرار سیستم بانکداری اسلامی مستلزم داشتن لوازمی است که پایه‌های آن را تشکیل می‌دهد. یکی از بسترهای لازم برای آن، وجود قانون و رویه‌های قانونی و مقررات اجرایی برای این سیستم است. به علاوه، داشتن سازوکارها و رویه‌های نظارتی قوی، عقود شفاف و قابل اجرا و پای‌بندی به اخلاق، از اصول حاکم و اولیهٔ دیگر در این زمینه محسوب می‌شود. با تحلیل داده‌ها، برای این مقولهٔ محوری ۹ مؤلفهٔ کلیدی شناسایی و معرفی شده است که در مدل مفهومی پژوهش مشاهده می‌شود. بُعد دوم که «بسترسازی راهبردی» نام دارد، بر اساس الگوی نظریهٔ داده‌بنیاد، شرایط علّی است. برای دستیابی به توفیق در اجرای سیستم بانکداری اسلامی، مجموعه‌ای از شرایط و زمینه‌های سازمانی باید مهیا شود که بسترهای لازم را در این زمینه فراهم می‌آورد. عوامل پیاده‌سازی یاد شده، این سیستم حیاتی را در بانک‌های تجاری تسهیل و تسریع می‌کند. بر اساس تحلیل داده‌ها برای این مقولهٔ مهم، در مجموع ۹ مؤلفهٔ کلیدی شناسایی شده است که از دیدگاه کلان می‌توان آنها را در دو گروه عوامل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دسته‌بندی کرد. دستهٔ نخست شامل مؤلفه‌های مرتبط با برنامه‌ها و مجموعهٔ منابع انسانی است؛ در حالی که دستهٔ دوم مربوط به ساختارها و فناوری‌های مورد نیاز برای پیاده‌سازی این سیستم است. بُعد سوم با عنوان «رویکرد راهبردی و سیستماتیک» بر اساس الگوی نظریهٔ داده‌بنیاد، بخش راهبردها را تشکیل می‌دهد. امروزه، در اقتصاد به‌طور عام و در بخش بانکداری به‌طور خاص، توجه سیستماتیک به مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار در روندهای پیش رو، از الزامات موفقیت و برتری در فضای رقابت محسوب می‌شود. در واقع رویکرد راهبردی در مقابل رویکرد کوته‌اندیشی و جزءنگری، نگاه سیستمی با ویژگی کلان‌نگری و دیدگاه انسجام و یکپارچگی به امور در مقابل دیدگاه خردنگری، سطحی‌نگری و بخشی‌نگری در نظر گرفته می‌شود. جهت‌گیری راهبردی، عنصری بسیار مهم در بحث پیاده‌سازی بانکداری اسلامی به‌شمار می‌رود. این رویکرد، انسجام‌بخش کلیهٔ برنامه‌ها، عملکردها و فعالیت‌های فردی، گروهی و سازمانی است و با به‌کارگیری تمام پتانسیل، توانایی‌ها، دانش و مهارت‌ها و همراستا کردن آنها با شرایط و درخواست‌های محیطی، به خلق ارزش افزوده برای فرد، سیستم بانکی و جامعه می‌پردازد و به‌طور شایان توجهی کارایی و اثربخشی آنها را افزایش می‌دهد. برای تبیین این مقولهٔ اصلی طبق الگوی داده‌بنیاد، شش مؤلفهٔ کلیدی شناسایی شده که

Archive of SID

www.SID.ir

مهم‌ترین آنها را می‌توان یکپارچگی با بخش‌های اقتصادی، پایش مستمر محیطی و اشتراک راهبردی معرفی کرد. با اتکا به نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها به روش داده‌بنیاد، ابعاد اصلی چهارم و پنجم از مدل پژوهش به‌ترتیب «سازوکارهای فنی» و «محیط و سازوکارهای کلان اقتصادی» است. سازوکارهای فنی مجموعه‌ای از عوامل و مؤلفه‌ها را شامل می‌شود که زمینه‌های لازم را برای پیاده‌سازی سیستم بانکداری اسلامی مهیا می‌کند. رویکرد این بخش فنی و تکنیکی است و از جنبهٔ تخصصی‌تر و فنی‌تر به مهم‌ترین عوامل مربوطه از دیدگاه مشارکت‌کنندگان با به‌کارگیری روش نظریهٔ داده‌بنیاد پرداخته شده است. با تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، در مجموع هفت مؤلفهٔ اساسی برای بُعد چهارم که از نظر مفهومی در الگوی داده‌بنیاد شرایط زمینه‌ای نامیده می‌شود، شناسایی شده است که در مدل مستخرج، مشاهده می‌شود. همچنین محیط و سازوکارهای کلان اقتصادی مجموعه‌ای از عوامل و نقش‌آفرینان را شامل می شود که در ابعاد کلان و در سطح جامعه یا فراتر از آن، بر عملکرد سیستم مد نظر تأثیرگذارند. این عوامل غیر از موارد و مؤلفه‌های مربوط به سطح خرد، بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی و مشتریان هستند و شامل عواملی از قبیل سیاست‌های بانک مرکزی، نقش پررنگ دولت، عزم مدیران ارشد نظام اقتصادی، وضعیت اقتصادی حاکم و رویکردهای بین‌المللی در سیستم بانکداری اسلامی است. این بُعد در الگوی داده‌بنیاد، شرایط مداخله‌گر نامیده می‌شود و شش بُعد برای آن شناسایی شده که در مدل مفهومی مستخرج از پژوهش مشاهده می‌شود. بُعد ششم مدل پژوهش که «اقتصاد پایدار مبتنی بر بانکداری اسلامی» نام دارد، به‌عنوان بخش پیامدها در الگوی داده‌بنیاد، شامل شش مؤلفهٔ کلیدی می‌شود. استقرار جامع سیستم بانکداری اسلامی نتایج و پیامدهای شایان توجهی برای اقتصاد اسلامی به دنبال دارد. اقتصاد پایدار هنگامی محقق می‌شود که ضمن حفظ ثبات و جلوگیری از تلاطم‌های شدید اقتصادی و نیز ضربه‌گیری در مقابل تأثیر منفی نوسان‌ها بر زندگی مردم و جامعه، زمینه را برای توسعه و رشد همه جانبه و پایدار فراهم می‌کند. صاحب‌نظران بر این باورند که تحقق بانکداری اسلامی، شکوفایی اقتصادی کشور را به دنبال دارد؛ بانکداری اسلامی با توجه به معطوف بودن به بخش واقعی اقتصاد، نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری بر دستیابی به اقتصاد پایدار و نیز اقتصاد مقاومتی دارد. همچنین تحقق بانکداری اسلامی پیامدهای اساسی دیگری از جمله کارآمد شدن سیستم بانکی، ثبات تأمین مالی، رضایتمندی مشارکت‌کنندگان و مانند اینها را نیز در پی خواهد داشت.

سنجش مدل پژوهش

بررسی و سنجش مدل مستخرج از پژوهش، به‌کمک روش مدل‌سازی مسیری ساختاری در نرم‌افزار Smart PLS انجام گرفت. برای تحلیل کلیهٔ روابط موجود در مدل، از خروجی‌های

Archive of SID

www.SID.ir

اجرای الگوریتم PLS و BT استفاده شده است. شکل ۴، نتـایج تحلیـل‌هـای بـالا را بـر اسـاس ضرایب استانداردشده و شکل ۵، نتایج را بر اساس میزان معناداری هر یک از روابط نشان می‌دهد.

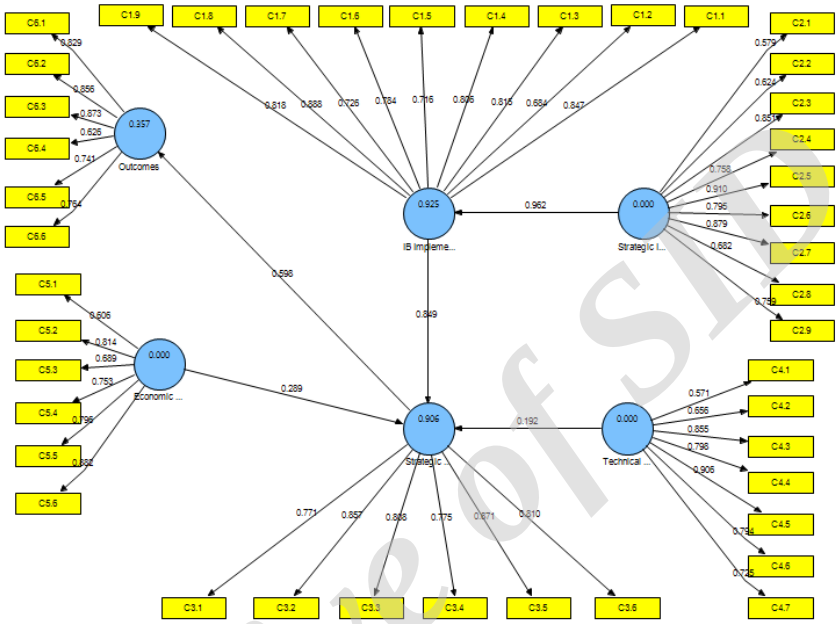

شکل ٤. نتیجهٔ اجرای سنجش مدل بر اساس ضرایب استاندارد

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد بین مقوله‌ها و ابعاد اصلی مدل ساختاری، روابط قابل قبـولی وجود دارد و تأثیرگذاری ابعاد بر یکدیگر با توجه به مسیرهای تعریف‌شده، شایان توجه اسـت. بـه علاوه بین ابعاد اصلی و کلیهٔ معرف‌های آنها روابط قوی مشاهده می‌شود.

به‌منظور بررسی معناداری هر یک از روابط میـان ابعـاد و مقولـه‌هـای اصـلی و مؤلفـه‌هـای مربوطه، از خروجی‌های آزمون بر اساس میزان معنـاداری آمـارهٔ T کـه در شـکل ۵ ارائـه شـده، استفاده شده است.

نخستین مسیر در مدل بین مقولهٔ نخست با عنوان «استقرار سیسـتم بانکـداری اسـلامی» و مقولهٔ دوم با عنوان «بسترسازی راهبردی» تعریف شده است. نتایج نشان می‌دهد (T= ۴۹/۳۰۰، β = ۰/۹۶۲) میان این دو مقولهٔ اساسی مدل، رابطهٔ مثبت، قوی و معنـادار وجـود دارد. بـه بیـان دیگر، بسترسازی راهبردی بر پیاده‌سازی و اسـتقرار سیسـتم بانکـداری اسـلامی در بانـک‌هـای تجاری به‌صورت کاملاً برجسته‌ای تأثیرگذار است.

Archive of SID

www.SID.ir

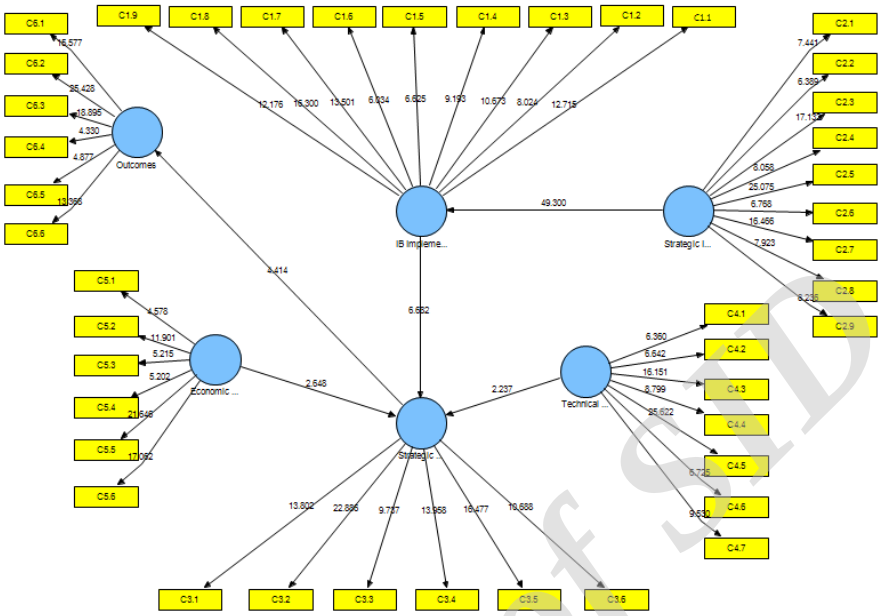

شکل ۵. نتیجهٔ اجرای سنجش مدل بر اساس ضرایب معناداری T

در مدل بالا، مقولهٔ نخست با عنوان «استقرار سیستم بانکداری اسلامی» دارای ۹ معرف است. نتایج به‌دست‌آمده از معرف نخست (T= ۱۲/۷۱۵، β = ۰/۸۴۷) تا معرف نهم (T= ۱۲/۱۷۶، β= ۰/۸۱۸) همگی بیان‌کنندهٔ معناداری و تأثیرگذاری مثبت و شایان توجه کلیهٔ معرف‌های نُه‌گانهٔ این مقوله است که قابلیت بالای آنها در تبیین مقولهٔ مد نظر را نشان می‌دهد. همچنین در مدل بالا، مقولهٔ دوم با عنوان «بسترسازی راهبردی» دارای ۹ معرف است. نتایج به‌دست‌آمده از معرف نخست (T= ۷/۴۴۱، β = ۰/۵۷۹) تا معرف نهم (T= ۸/۲۳۵، β= ۰/۷۹۹) نشان‌دهندهٔ معناداری و تأثیرگذاری مثبت و شایان توجه تمام معرف‌های این مقوله است و قابلیت بالای آنها در تبیین مقولهٔ مد نظر را نشان می‌دهد.

دومین مسیر در مدل بین مقولهٔ نخست با عنوان «استقرار سیستم بانکداری اسلامی» و مقولهٔ سوم با عنوان «رویکرد راهبردی و سیستماتیک» برقرار شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد (T= ۶/۶۸۲، β = ۰/۸۴۹) میان این دو مقولهٔ اساسی مدل، رابطه‌ای مثبت، قوی و معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، وجود رویکرد راهبردی و سیستماتیک در پیاده‌سازی سیستم بانکداری اسلامی در بانک‌های تجاری به‌صورت کاملاً برجسته‌ای تأثیرگذار است. مقولهٔ سوم با عنوان «رویکرد راهبردی و سیستماتیک» دارای شش معرف است. نتایج به‌دست‌آمده از معرف نخست

Archive of SID

www.SID.ir

(β = ۰/۷۷۱ ،T = ۱۳/۸۰۲) تا معرف ششم (β = ۰/۸۱۰ ،T = ۱۹/۶۸۸) در شکل‌های بالا، بیان‌کنندهٔ معناداری و تأثیرگذاری مثبت و شایان توجه کلیهٔ معرف‌های شش‌گانه و نشان‌دهندهٔ قابلیت بالای آنها در تبیین مقولهٔ مورد بررسی است.

سومین مسیر بین مقولهٔ چهارم با عنوان «سازوکارهای فنی» و مقولهٔ سوم با عنوان «رویکرد راهبردی و سیستماتیک» برقرار شده است. نتایج نشان می‌دهد (β = ۰/۱۹۲ ،T = ۲/۲۳۷) میان این دو مقولهٔ اساسی در مدل، رابطه‌ای مثبت، نسبتاً قوی و معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، به‌کارگیری سازوکارهای فنی مناسب بر اتخاذ رویکرد راهبردی و سیستماتیک در پیاده‌سازی سیستم بانکداری اسلامی در بانک‌های تجاری تأثیر شایان توجهی دارد. همچنین در مدل یاد شده، مقولهٔ چهارم با عنوان «سازوکارهای فنی» دارای هفت معرف است که نتایج به‌دست‌آمده از معرف نخست (β = ۰/۵۷۱ ،T= ۶/۳۶۰) تا معرف هفتم (β = ۰/۷۳۵ ،T= ۹/۵۳۰) گویای معناداری و تأثیرگذاری مثبت و شایان توجه کلیهٔ معرف‌های هفت‌گانهٔ این مقوله بوده و نشان‌دهندهٔ قابلیت بالای آنها در تبیین مقولهٔ مورد بررسی است.

چهارمین مسیر در مدل بین مقولهٔ پنجم با عنوان «محیط و سازوکارهای کلان اقتصادی» و مقولهٔ سوم با عنوان «رویکرد راهبردی و سیستماتیک» تعریف شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد (β = ۰/۲۸۹ ،T= ۲/۶۴۸) میان این دو مقولهٔ اساسی، رابطه‌ای مثبت، نسبتاً قوی و معنادار برقرار است. به بیان دیگر، محیط و سازوکارهای کلان اقتصادی بر اتخاذ رویکرد راهبردی و سیستماتیک در پیاده‌سازی سیستم بانکداری اسلامی در بانک‌های تجاری تأثیر شایان توجهی می‌گذارد. همچنین این مقوله با عنوان «محیط و سازوکارهای کلان اقتصادی» دارای شش معرف است که نتایج به‌دست‌آمده از معرف نخست (β = ۰/۶۰۵ ،T= ۴/۵۷۸) تا معرف ششم (β = ۰/۸۸۲ ،T = ۱۷/۰۶۲) معناداری و تأثیرگذاری مثبت و قابل قبول کلیهٔ معرف‌های شش‌گانهٔ این مقوله و قابلیت بالای آنها در تبیین مقولهٔ مورد بررسی را نشان می‌دهد.

پنجمین مسیر در مدل بین مقولهٔ سوم با عنوان «رویکرد راهبردی و سیستماتیک» و مقولهٔ ششم با عنوان «اقتصاد پایدار مبتنی بر بانکداری اسلامی» برقرار و تعریف شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد (β = ۰/۵۹۸ ،T = ۴/۴۱۴) میان این دو مقولهٔ اساسی، رابطه‌ای مثبت، قوی و معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، به‌کارگیری رویکرد راهبردی و سیستماتیک در پیاده‌سازی سیستم بانکداری اسلامی در بانک‌های تجاری، به پیامدهای مطلوب اقتصادی و مالی برای جامعه منجر می‌شود که نتایج تحلیل مدل به‌صورت بسیار قوی تأثیرگذاری این رابطه را تأیید می‌کند. همچنین این مقوله با عنوان «اقتصاد پایدار مبتنی بر بانکداری اسلامی» دارای شش معرف است که نتایج به‌دست‌آمده از معرف نخست (β= ۰/۸۲۹ ،T= ۱۶/۵۷۷) تا معرف

Archive of SID

www.SID.ir

ششم (β = ۰/۷۶۴ ،T = ۱۳/۳۶۸) معناداری و تأثیرگذاری مثبت و قابل قبول همهٔ معرف‌های شش‌گانهٔ این مقوله و قابلیت بالای آنها در تبیین مقولهٔ مورد بررسی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش با به‌کارگیری رویکرد آمیخته و با اتکا به استراتژی داده‌بنیاد، مدل مفهومی نوآورانه‌ای برای بررسی و تبیین آمادگی بانک‌های تجاری ایران در راستای پیاده‌سازی بانکداری اسلامی ارائه شد؛ به‌طوری که به‌صورت جامع و تفصیلی مقوله‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های اساسی مربوطه را به‌خوبی پوشش داده و تبیین کرده است. نتایج برای مسیرهای اصلی مدل ساختاری پژوهش و نیز مؤلفه‌ها و ابعاد فرعی آنها بیانگر قدرت و قابلیت اجزا در تبیین مدل نهایی است. سیستم بانکداری اسلامی با اتکا به اصول اساسی پذیرفته شده، موازین شرعی و ملزومات اقتصاد اسلامی و نیز با به‌کارگیری و ترکیب نوآوری، قادر است به بهترین نحو، نیازهای مالی بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها را در اقتصاد اسلامی برآورده کند. آنچه در این پژوهش به آن پرداخته شد، فراتر رفتن از سازوکار بانکداری بدون ربا و دستیابی به سیستم جامع بانکداری اسلامی در اقتصاد است. مجموعهٔ عواملی که می‌تواند این سیستم را در بانک‌های تجاری محقق کند، در قالب یک مدل جامع با شش مقولهٔ اساسی یا کلیدی و ۴۳ مؤلفه و بُعد فرعی معرفی و ارائه شد. مقولهٔ محوری به این موضوع می‌پردازد که استقرار سیستم بانکداری اسلامی با چه مفاهیم و مؤلفه‌هایی می‌تواند تبیین شود. طبق نتایج مصاحبه‌های کیفی با به‌کارگیری استراتژی داده‌بنیاد، موارد مهمی از جمله قانون و رویه‌های اجرایی، سیستم و سازوکارهای نظارتی، شفافیت قراردادها، مدیریت کارآمد، اخلاق‌گرایی و... شناسایی شد. طبق یافته‌های این بخش از پژوهش، توصیه‌های اساسی برای سیاست‌گذاران، طراحی و تدوین قانون و رویه‌های اجرایی کارآمد و ایجاد سیستم‌ها و سازوکارهای نظارتی قدرتمند برای توفیق در پیاده‌سازی جامع بانکداری اسلامی است. صاحب‌نظران معتقدند گام ضروری و پایه برای استقرار کامل بانکداری اسلامی را دو مورد بالا تشکیل می‌دهد. همچنین نیروهای متخصص و توانمند و نیز توجه به مؤلفه‌های مهم محتوایی در این سیستم، از الزامات دیگری است که باید به‌طور جدی مدنظر مجریان قرار گیرد.

بسترسازی راهبردی به‌عنوان مقولهٔ مهم دیگری از مدل مستخرج، گویای این است که به منظور پیاده‌سازی سیستم بانکداری اسلامی، مجموعهٔ عوامل درون سازمانی باید برای تسهیل در اجرا، این سیستم را حمایت کنند. از یک دیدگاه آنها به دو دستهٔ عوامل نرم‌افزاری و عوامل سخت‌افزاری طبقه‌بندی می‌شوند. دستهٔ نخست شامل مؤلفه‌های مرتبط با برنامه‌ها و مجموعهٔ

Archive of SID

www.SID.ir

منابع انسانی است؛ در حالی که دستهٔ دوم مربوط به ساختارها و فناوری‌های مورد نیاز برای پیاده‌سازی این سیستم است. توصیه‌های کاربردی برای سیاست‌گذاران بر مبنای یافته‌های این بخش از پژوهش، متناسب با ایجاد بسترها و شرایط پایه‌ای و ضروری برای پیاده‌سازی بانکداری اسلامی است. بانک‌های تجاری باید هم در بعد ساختاری و سازماندهی و هم از جهت نیروی انسانی، راهبردها و برنامه‌ها، اصلاحات متناسبی را در خود ایجاد کنند تا زمینه‌های لازم برای استقرار سیستم بانکداری اسلامی با توجه به اقتضائات ویژهٔ آن، فراهم شود. همچنین بانک‌های تجاری باید فرایندهای کلیدی برای استقرار این سیستم را شناسایی کرده و موانع بالقوه را برای این منظور مرتفع کنند.

بخش دیگری از الگوی یکپارچهٔ ارائه‌شده، با اتکا به استراتژی داده‌بنیاد به رویکرد راهبردی و سیستماتیک و دو بخش اصلی تأثیرگذار بر آن، شامل سازوکارهای فنی از یک‌سو و محیط و سازوکارهای کلان اقتصادی از طرف دیگر پرداخته است. بر اساس یافته‌ها، تأکید می‌شود که سیاست‌گذاری‌ها باید با تکیه بر رویکرد راهبردی و سیستماتیک، انسجام و یکپارچگی لازم را میان اجزای تأثیرگذار در این زمینه برای غلبه بر چالش‌های موجود، فراهم کنند. توصیهٔ مهم و ضروری برای سیاست‌گذاران بر اساس یافته‌های این بخش از پژوهش این است که با بهره‌گیری از دستاوردهای روزآمد، نگرش و تفکر راهبردی، راهبردها و برنامه‌ها طراحی شده و با به‌کارگیری و بسیج منابع و قابلیت‌های سازمانی، پیاده‌سازی شود. یکی از ضعف‌های مشهود مدیران سیستم بانکی، فقدان راهبرد بلندمدت برای دستیابی به استقرار جامع و کامل سیستم بانکداری اسلامی است. اتکا به یافته‌های بالا می‌تواند راهگشای برخی موانع و چالش‌های موجود باشد. همچنین پذیرش سازوکارهای اختصاصی بانکداری اسلامی از سوی سایر بازیگران سیستم اقتصادی به‌ویژه دولت‌مردان و نهادهای اقتصادی فعال، پیاده‌سازی بانکداری اسلامی را تسهیل و تسریع می‌کند.

محیط کلان اقتصادی که اشاره شد، بیان‌کنندهٔ پارامترها و عواملی است که در بستر اقتصادی کشور وجود دارد و به‌عنوان شرایط مداخله‌گر و تأثیرگذار می‌تواند استقرار این سیستم را تسهیل کند. موارد مهمی مانند عزم مدیران ارشد، ارتباطات بین‌المللی و زمینه و موقعیت اقتصادی حاکم، در این مقوله قرار می‌گیرد. با توجه به یافته‌های این بخش، توصیهٔ مهم و ضروری برای سیاست‌گذاران این است که سیستم بانکی در کشور باید خود را با مختصات و ویژگی‌های منحصربه فرد بانکداری اسلامی برای تسهیل در اجرای آن، به‌خوبی تطبیق دهد. برای این منظور شناخت و آشنایی کامل و دقیق با سازوکارهای فنی مرتبط با آن، از الزامات اساسی است که توجه جدی سیاست‌گذاران و مدیران ذی‌ربط را می‌طلبد. پیشنهاد می‌شود با

Archive of SID

www.SID.ir

توجه به تمایزات آن با بانکداری متعارف، سازوکارهای فنی و اجرایی آن از جمله سیستم حسابداری و مالی، نرم‌افزارها و تکنیک‌های تحلیلی و اجرایی، مدیریت ریسک و نقدینگی، بهبود و توسعه، برای برخورداری از قابلیت اجرای سیستم جدید بازسازماندهی شود. در نهایت بخش انتهایی مدل مستخرج از پژوهش با عنوان پیامدها، به نتایج حاصل از پیاده‌سازی جامع این سیستم پرداخته است. این مقوله بیان می‌کند که بانکداری اسلامی با توجه به معطوف بودن به بخش واقعی اقتصاد، نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری در دستیابی به شکوفایی اقتصادی و نیز اقتصاد مقاومتی دارد و به پیامدهای اساسی دیگری از جمله کارآمد شدن سیستم بانکی، ثبات تأمین مالی، رضایتمندی مشارکت‌کنندگان و... منجر می‌شود.

به عنوان پیشنهاد نظری می‌توان توصیه کرد که با توجه به بنیادی بودن پژوهش حاضر و قابلیت بررسی و تحلیل‌های دقیق‌تر، به محققان آتی پیشنهاد می‌شود هر یک از بخش‌های مدل پیشنهادی را در قالب مطالعات کاربردی ارزیابی کنند و نتایج عملی آن را برای سیستم بانکداری اسلامی پیشنهاد دهند. ابعاد اساسی و مؤلفه‌های مستخرج معرفی‌شده در پژوهش حاضر این امکان را فراهم می‌کند تا در قالب مطالعات مستقل همراه با تبیین‌ها و تحلیل‌های تفصیلی، راهکارهای عملیاتی و اجرایی را برای استقرار کامل و جامع سیستم بانکداری اسلامی در اقتصاد کشور فراهم آورند.

منابع

اکبریان، ر.؛ رفیعی، ح. (۱۳۸۶). بانکداری اسلامی: چالش‌های نظری ـ عملی و راهکارها. *فصلنامهٔ اقتصاد اسلامی*، ۷ (۲۶)، ۱۱۸-۹۷.

ایروانی، م. ج.؛ غزالی، ا.؛ غزالی، ع. (۱۳۹۱). اولویت‌بندی تسهیلات بانکی مبتنی بر عقود اسلامی با رویکرد سیاست‌گذاری. *دوفصلنامهٔ تحقیقات مالی ـ اسلامی*، ۱ (۲)، ۱۹۳- ۱۶۱.

بازرگان، ع. (۱۳۸۷). روش تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای مطالعات مدیریت. *فصلنامهٔ دانش مدیریت*، ۲۱ (۴)، ۳۴-۱۷.

دانایی‌فرد، ح.؛ امامی، س. م. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. *اندیشهٔ مدیریت*، ۱ (۲)، ۹۷-۶۹.

دانایی‌فرد، ح.؛ مظفری، ز. (۱۳۸۷). ارتقاء روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی. *پژوهش‌های مدیریت*، ۱ (۱)، ۱۶۲-۱۳۱.

راثی، ع. ا. (۱۳۹۰). *بانکداری: گذشته، حال و آینده*. تهران: نشر کارور.

Archive of SID

www.SID.ir

رستمی، م. ز. (۱۳۹۰). چالش‌های مفهومی ربا، بهره و بهرهٔ تعادلی (شیوهٔ برخورد قرآن کریم با مفاسد اقتصادی). *فصلنامهٔ اقتصاد اسلامی*، ۱۱ (۴۱)، ۲۱۴- ۱۸۹.

رنجبریان، ب.؛ براری، م. (۱۳۸۸). تأثیر بنیان‌های بازاریابی رابطه‌مند بر وفاداری مشتریان: مقایسهٔ بانک دولتی و خصوصی. *فصلنامهٔ مدیریت بازرگانی*، ۱ (۲)، ۱۰۰-۸۳.

روشندل اربطانی، ط.؛ مقیمی، س. م.؛ میناوند، م. ق.؛ خواجه‌ئیان، د. (۱۳۹۱). چارچوبی برای تجاری‌سازی نوآوری‌های دیجیتال در شرکت‌های کارآفرین رسانه‌ای ایران (مطالعه‌ای چند موردی). *فصلنامهٔ مدیریت بازرگانی*، ۴ (۱۱)، ۸۸-۷۱.

سیاهکارزاده، م. س.؛ محمدی، م. (۱۳۹۱). نظام سنجش اعتبار در بانکداری اسلامی: ضرورت، جایگاه و الزامات. *تحقیقات مالی ـ اسلامی*، ۱ (۲)، ۱۴۱- ۱۱۵.

صالحی، س. م.؛ نیکوکار، غ.؛ محمدی، ا.؛ نتاج، غ. (۱۳۹۰). طراحی الگوی ارزیابی عملکرد شعب بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری (مورد مطالعه: بانک قوامین). *فصلنامهٔ مدیریت بازرگانی*، ۳ (۷)، ۱۴۲-۱۲۷.

طالبی، م.؛ کیائی، ح. (۱۳۹۱). ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران. *تحقیقات مالی ـ اسلامی*، ۱ (۲)، ۵۵-۳۷.

طالبی، م.؛ کاوند، م.؛ حسین‌پور، م. (۱۳۹۰). تحلیل و رتبه‌بندی ریسک‌های عملیاتی در بانکداری اسلامی (مطالعهٔ موردی: بانکداری بدون ربا در ایران). *فصلنامهٔ اقتصاد اسلامی*، ۱۱ (۴۴)، ۱۸۴- ۱۵۷.

فرتوک‌زاده، ح.؛ الهی، م. (۱۳۸۹). شناسایی و اولویت‌بندی ریسک‌های راهبردی در بانکداری بدون ربا (مطالعهٔ موردی بانک ملت). *فصلنامهٔ اقتصاد اسلامی*، ۱۰ (۳۷)، ۱۷۲- ۱۴۷.

مجتهد، ا.؛ حسن‌زاده، ع. (۱۳۸۴). *پول، بانکداری و نهادهای مالی*. تهران: انتشارات پژوهشکدهٔ پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

موسویان، س. ع. (۱۳۸۱). *بانکداری اسلامی*. تهران: انتشارات پژوهشکدهٔ پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

موسویان، س. ع. (۱۳۸۴). ارزیابی قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا. *فصلنامهٔ اقتصاد اسلامی*، ۵ (۱۹)، ۷۰-۴۵.

موسویان، س. ع. (۱۳۸۶). نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۷ (۲۵)، ۳۶-۹.

موسویان، س. ع.؛ کاوند، م. (۱۳۸۹). مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی. *دوفصلنامهٔ معرفت اقتصادی*، ۲ (۳)، ۶۳-۳۵.

موسی‌خانی، م.؛ حقیقی، م.؛ ترک‌زاده، س. (۱۳۹۱). ارائهٔ مدلی جهت کسب وفاداری مشتری با استفاده از مدیریت دانش مشتری در صنعت بانکداری کشور (بانک‌های خصوصی). *فصلنامهٔ مدیریت بازرگانی*، ۴ (۱۲)، ۱۶۴-۱۴۷.

Archive of SID

www.SID.ir

Akbar, S. & Kalmadi, S. (2012). An investigation of user perceptions of Islamic banking practices in the United Kingdom. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 5 (4), 353-370.

Akbarian, R. & Rafiei, H. (2007). Islamic banking: theoretical-practical challenges and solutions. *Islamic Economics Quarterly*, 7 (26), 97-118. (*in Persian*)

Bazargan, A. (2008). Mixed method approach: a superior approach for management studies. *Management Knowledge Quarterly*, 21 (4), 17-34. (*in Persian*)

Creswell, J. W. & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into Practice*, 39 (3), 124-131.

Danaeefard, H. & Emami, S. M. (2007). Qualitative research strategies: introducing to the grounded theory. *Management Thought Journal*, 1 (2), 69-97. (*in Persian*)

Danaeefard, H. & Mozafari, Z. (2008). Enhancing validity and reliability in the qualitative research of management: the research auditing strategies. *Management Research Journal*, 1 (1), 131-162. (*in Persian*)

Fartookzadeh, H. & Elahi, M. (2010). Identification and prioritization the strategic risks in interest free banking (case study: Mellat Bank). *Islamic Economics Quarterly*, 10 (37), 147-172. (*in Persian*)

Fernandez, W. D. (2003). Using the Glaserian Approach in Grounded Studies of Emerging Business Practices. *Electronic Journal of Business Research Methods*, 2 (2), 83-94.

Frost, S. M. (2004). *The Bank Analyst's Handbook Money, risk and conjuring tricks*. John Wiley & Sons Ltd, England.

Golafshani, N. (2003). Understanding Reliability and Validity in Qualitative Research. *The Qualitative Report*, 8 (4), 597-607.

Gudarzi Farahani, Y. & Dastan, M. (2013). Analysis of Islamic banks' financing and economic growth: a panel co-integration approach. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 6 (2), 156-172.

Hisham, Y. M., Muhammad, J. & Abdul-Hadi, A. R. (2012). A comparative study on the level of efficiency between Islamic and conventional banking systems in Malaysia. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 5 (1), 48-62.

Iqbal, M. & Molyneux P. (2006). Thirty Years of Islamic Banking: History, Performance and Prospects. *Islamic Economics*, 19 (1), 37-39.

Iravani, M. J. & Ghazali, A. (2012). Prioritizing bank's facilities based on the Islamic contracts using policy making approach. *Journal of Islamic Finance*, 1 (2), 161-193. (*in Persian*)

Johnes, J., Izzeldin, M. & Pappas, V. (2009). *The efficiency of Islamic and conventional banks in the Gulf Cooperation Council (GCC) countries: an*

Archive of SID

www.SID.ir

analysis using financial ratios and Data Envelopment Analysis. Working Papers, Management School of Lancaster University.

Karbhari, Y., Naser, K. & Shahin, Z. (2004). Problems and Challenges Facing the Islamic Banking System in the West: The Case of the UK. *Thunderbird International Business Review*, 46 (5), 521-543.

Kvale, S. (1996). *Interviews: An Introduction to qualitative research interviewing*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Maher, H. & Dridi, J. (2010). *The Effects of the Global Crisis on Islamic and Conventional Banks: A Comparative Study*. IMF Working Paper, Monetary and Capital Markets Department & Middle East and Central Asia Department.

Mishkin, F. S. (2004). *Economics of Money; Banking and Financial Markets*. 7th Edition. New York: Harper Collins.

Mojtahed, A. & Hasanzadeh, A. (2005). *Money, Banking and Financial Institutions*. Tehran: Monetary and Banking Research Institute, the Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (*in Persian*)

Mousakhani, M., Hghighi, M. & Torkzadeh, S. (2012). Presentation a model for achieves customer loyalty using customer knowledge management in the banking industry (private banks). *Journal of Business Management*, 4 (12), 147-164. (*in Persian*)

Mousavian, S. A. & Kavand, M. (2010). Liquidity management in Islamic banking. *Journal of Economic Knowledge*, 2 (3), 35-63. (*in Persian*)

Mousavian, S. A. (2002). *Islamic banking*. Tehran: Monetary and Banking Research Institute, the Central Bank of the I.R.Iran. (*in Persian*)

Mousavian, S. A. (2007). Critical investigation of interest free operation banking law and proposing an alternative law. *Islamic Economics Quarterly*, 7 (25), 9-36. (*in Persian*)

Mousavian, S. A. (2010). Evaluating contracts and granting facilities methods in interest free banking. *Islamic Economics Quarterly*, 5(19), 45-70. (*in Persian*)

Mullineux, A. W. & Murinde, V. (2003). *Handbook of International Banking*. Cheltenham, UK, Northampton, MA, USA.

Nunnally J. C. (1978). *Psychometric Theory*. New York: McGraw-Hill.

Ranjbaryan, B. & Barari, M. (2009). The effects of relationship marketing basics on the customer loyalty: Comparing public and private banks. *Journal of Business Management*, 1 (2), 83-100. (*in Persian*)

Rathi, A. (2011). *Banking: Past, Present and Future*. Tehran: Karvar Publications. (*in Persian*)

Archive of SID

www.SID.ir

Roshandel-Arbatani, T., Moghimi, S. M., Minavand, M. G. & Khajeyan, D. (2012). A framework for commercialization of digital innovations in the Iran's media entrepreneur companies (a multi case study). *Journal of Business Management*, 4 (11), 71-88. (*in Persian*)

Rostami, M. Z. (2011). Conceptual challenges of riba, interest and balanced interest. *Islamic Economics Quarterly*, 11 (41), 189-214. (*in Persian*)

Saini, Y., Bick, G. & Abdulla, L. (2011). Consumer awareness and usage of Islamic Banking products in South Africa. *South African Journal of Economic and Management Sciences*, 14 (3), 298-313.

Salehi, S. M., Nikoukar, G., Mohammadi, A. & Nataj, G. (2011). Design the performance evaluation model of banks and financial and credit institutions (case study: Ghavamin bank). *Journal of Business Management*, 3 (7), 127-142. (*in Persian*)

Sarker, A. A. (2004). *Concept and ideology, Issues and problems of Islamic banking*. Islami Bank Bangladesh Limited.

Seyed-Javadin, S. R., Raei, R., Iravani, M. J. & Safari, M. (2014). An explanatory analysis to identify and prioritize the challenges of Islamic Banking implementation: the case of I.R.Iran. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 24, 45-55.

Siahkarzadeh, M. S. & Mohammadi, M. (2012). The credit measuring system in the Islamic banking: necessity, position and requirements. *Islamic Finance Research*, 1 (2), 115-141. (*in Persian*)

Strauss, A.L. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory: Procedures and Technique*. (2nd Edition); Sage, Newbury Park, London.

Sufian, F., Mohamad, A.M.N. & Muhamed-Zulkhibri, A.M. (2008). The efficiency of Islamic banks: empirical evidence from the MENA and Asian countries Islamic banking sectors. *The Middle East Business & Economic Review*, 20 (1), 1-19.

Talebi, M. & Kiyaei, H. (2012). Investigation the challenges of participative contracts in the I.R.Iran banking system. *Journal of Islamic Finance*, 1 (2), 37-55. (*in Persian*)

Talebi, M., Kavand, M. & Hoseinpour, M. (2011). Analyzing and prioritizing the operational risks in the Islamic banking. *Islamic Economics Quarterly*, 11 (44), 157-184. (*in Persian*)

Archive of SID

www.SID.ir